

موضوع : هر لحظه وقت کار است

برای کار کردن و تمرکز روی خود برای تبدیل و تغییر باید فقط از خدا بخواهیم که ما را در جهت رشد و کمال متعالی شدن یاری کند. البته در این راه معنوی لیاقت قرین شدن با بزرگانی مانند مولانای جان به ما هدیه دهد تا راه هدایت به رویمان گشوده شود از مولانای جان می‌آموزیم که درد و رنج را چگونه به شادی بی سبب و گنج حضور تبدیل کنیم.

این ابیات نورانی مانند الماسی درخشان سنگ دل‌مان را می‌شکافد و ما را به اعماق درونمان می‌برد تا آنچه را که زیر این آبروی مصنوعی و پندار کمال مخفی شده، با نور روشنایی آنها را پیدا کنیم و از خودمان دور کنیم. پس وقت کار فرا رسیده عمر را تلف نکنیم، و مسئول جرم و گناه خودمان باشیم و اشتباهاتی که در چرخه زندگی‌مان از روی جهل و ناآگاهی من ذهنی بارها و بارها تکرار کردیم و به آن شرطی شدیم را قبول کنیم.

به جای فرار از این لحظه درد هوشیارانه را به جان بخریم و با حضور ناظر از جنس خدا شویم، بپذیریم که عیب و نقص از خودمان است و اینگونه فضا باز می‌شود و نیروی هدایت و عقل فضای باز شده دردهای درونی‌مان را می‌شوید.

برای تبدیل و تغییر باید بسیار جدی و سخت کوش باشیم و خودمان را قضاوت نکنیم. اگر فرمان خدا که انصتوا و اتقوا است را با جان و دل قبول کنیم و در این صورت هم شفا و پاداش دوا می‌آید و دمیده شدن «نفخت فی من روح» را شاهدیم.

وَأَنْ كُنْهَ دَرُوى ز جنسِ جُرمِ تَوَسْت
باید آن خُو را ز طَبیعِ خویش شَسْت
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۳۱۵۲

رفته ره درشت من بار گران ز پشت من
دلبر بردبار من آمده برده بار من
-مولوی دیوان شمس غزل شماره ۱۸۳۷

شاد و بیدار باشید فاطمه هستم از مازندران